



جزئیات استخدام در آموزش و پرورش

وزیر آموزش و پرورش جزئیات استخدام ۸۵ هزار نیروی جدید را در این وزارتخانه اعلام کرد و گفت، ۶۵ هزار نفر از این استخدامی‌ها معلم خواهند بود که از سه طریق جذب می‌شوند. علیرضا کاظمی در این باره گفت: «مجزر جذب ۸۵ هزار نفر صادر شده است. دفتر چه‌ها آماده شده و طی یک تا دو هفته آینده اطلاع‌رسانی می‌شود. تلاش می‌کنیم پذیرفته‌شدگان پیش از مهرماه آماده باشند.» او ادامه داد: «از این تعداد ۳۲ هزار نفر از طریق دانشگاه فرهنگیان و رجایی، ۳۰ هزار نفر از طریق آزمون استخدامی و سه هزار نفر از طریق آیین‌نامه جذب نخبگان در دانشگاه فرهنگیان جذب می‌شوند. بخشی از ظرفیت استخدام نیز مربوط به استخدام بابای مدرسه است.»



بازنگری قوانین ایثارگری

معاون حقوقی و امور مجلس بنیاد شهید و امور ایثارگران گفته است که اصلاح و بازنگری در قوانین ایثارگری طبق برنامه هفتم توسعه در دستور کار قرار گرفته است و مراحل آن به خوبی پیش می‌رود. نامدار عبداللهیان در این باره گفت: «فرایند آسیب‌شناسی این قوانین شروع شده است و نقاط ضعف و قوت آن مشخص خواهد شد. برخی از قوانین ایثارگری با ناترازی منابع، مصارف و ایرادهای جدی مواجه است که رفع این موارد در اولویت قرار دارد.» او ادامه داد: «این طرح که پس از نظرسنجی‌های انجام شده در زیرمجموعه‌های مختلف بنیاد شهید و امور ایثارگران تدوین می‌شود بر توزیع عادلانه، حذف آیین‌نامه‌های زائد و تدوین شیوه‌نامه‌های تحول آفرین متمرکز است.»



۸ استان در صدر مخاطرات جوی

مرکز هدایت عملیات بحران وزارت بهداشت جدیدترین آمار فوتی‌ها و مصدومان مرتبط با مخاطرات جوی اخیر، از ۷ تا ۱۲ اردیبهشت‌ماه را اعلام کرد. این مرکز اعلام کرد که در پی وقوع پدیده‌های جوی از جمله وزش شدید باد و رعدوبرق در بازه زمانی ۷ تا ۱۲ اردیبهشت‌ماه امسال ۷ نفر در نقاط مختلف کشور جان خود را از دست دادند و ۶۷ نفر نیز مصدوم شدند. از مجموع جان‌باختگان چهار نفر بر اثر وزش شدید باد و سه نفر بر اثر برخورد با رعدوبرق جان باخته‌اند. در این مدت بیشترین تعداد مصدومان مربوط به استان تهران با ۵۳ نفر بوده است. خراسان جنوبی با ۷ نفر، مازندران با سه نفر، مرکزی با دو نفر و البرز و خراسان رضوی نیز هرکدام با یک مصدوم در رده‌های بعدی قرار دارند. در تهران، مازندران، لرستان، خراسان جنوبی، مرکزی و آذربایجان شرقی هرکدام یک مورد فوت گزارش کرده‌اند. از مهم‌ترین رخدادهای ناشی از این وضعیت جوی می‌توان به سقوط درختان، آسیب‌دیدن تابلوهای راهنمایی و تبلیغاتی، ریزش نما و سقف ساختمان‌ها، سقوط اجسام، تصادفات ناشی از کاهش دید، مرگ دام‌ها بر اثر برخورد صاعقه و افزایش آلودگی‌ها اشاره کرد.

زنان در تقاطع تبعیض و رنج

بررسی نتایج به ثمر نرسیدن لایحه منع خشونت علیه زنان چندروز بعد از پس گرفتن اش از مجلس

لایحه حذف شده است.

تغییرات تفاهم را از بین برد

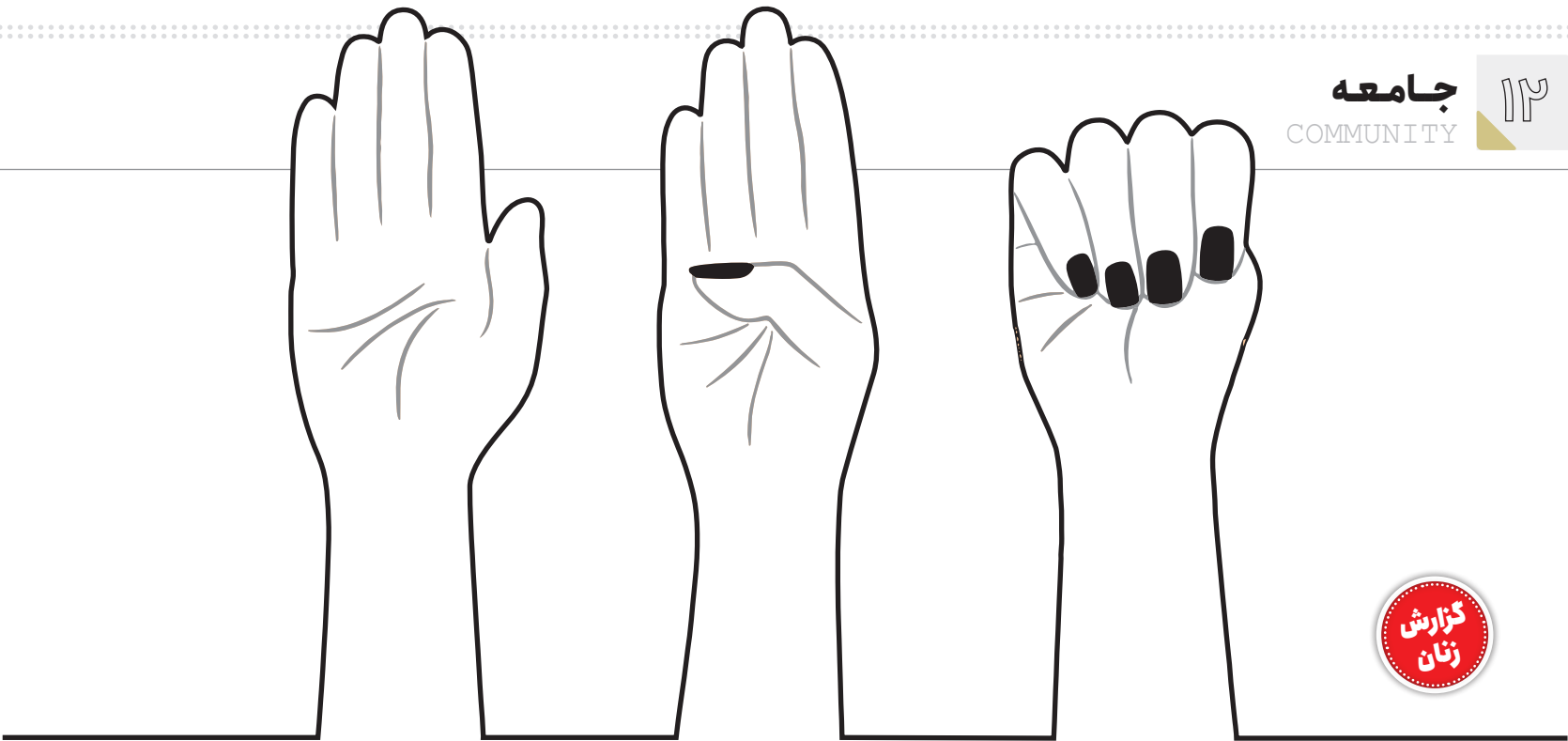
در ادامه قدسیه ملکیان، حقوقدان، به تغییراتی که مجلس همواره در لوایح دولت ایجاد کرده، اشاره می‌کند: «سه رویه کلی در دولت‌ها برابر تغییرات عمده‌ای که مجلس در لوایح ایجاد می‌کند، وجود دارد. گاهی منفعلانه برخورد شده و اجازه دادند که مجلس هرطور که خواسته، تغییر ایجاد کند و نمونه آن لایحه عفاف و حجاب بود که یک لایحه ۱۵ ماده‌ای تبدیل شد به یک قانون ۷۰ ماده‌ای که تغییر بنیادینی است. دولت پیشین در این زمینه بسیار منفعلانه عمل کرد و دولت فعلی هم با اینکه اعلام کرده نمی‌تواند این لایحه را اجرا کند اما در نهایت سرنوشتی را پیدا کرده که همه می‌دانیم. در رویه دیگری، تلاش‌هایی برای محدود کردن تغییرات اعمال شده از سوی مجلس انجام می‌شود و در این وضعیت دولت و مجلس در همکاری با هم هستند و توان استرداد لایحه وجود ندارد و نمونه آن هم لایحه بودجه است. اما در مواردی دولت چاره‌ای جز استرداد ندارد. اگر دولت و مجلس نتوانند بر سر تغییراتی که مورد قبول دوطرف است به تفاهم برسند، بهترین گزینه استرداد است و این همان چیزی است که در حال حاضر درباره لایحه منع خشونت علیه زنان اتفاق افتاده است. تغییرات اتفاق افتاده در کمیسیون چنان زیاد بوده که امکان رسیدن به تفاهم میان دولت و مجلس وجود نداشته است.»

ملکیان، حقوقدان درباره این لایحه می‌گوید شاخص‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مجلس در تغییر لوایح اختیار مطلق ندارد: «شورای نگهبان صلاحیت مجلس را در تصویب لوایح دولت، به سه مورد محدود کرده است. تغییرات مجلس باید محدود به چارچوب پیشنهادات دولت در لایحه باشد، باید به موضوع لایحه دولت محدود باشد و در نهایت باید محدود به ایجاد نشدن تغییرات گسترده باشد. اما در لایحه منع خشونت، حتی اسم لایحه هم تغییر کرده و این نشان‌دهنده تفاوت کلان در رویکرد است. رویکرد دولت، خشونت را چنان مهم می‌داند که از آن نام می‌برد، موضوع لایحه منع خشونت بوده و محدود به منع خشونت علیه زنان بوده اما در مجلس به ارتقای کرامت زنان و خانواده تغییر کرده و زن در ساحتی قرار گرفته که به خشونت علیه مردان هم در آن اشاره شده است.» او معتقد است، آنچه اتفاق افتاده نه استمرار طرح دولت است و نه یک طرح مستقل و این نتیجه رویکرد کمیسیون اجتماعی مجلس و کمیته‌های فرعی آن است: «در لایحه دولت ما کارگروه ملی برای هماهنگی داشتیم که حذف شده است. در لایحه دولت جرم‌انگاری‌ها برای خشونت علیه زنان پیش‌بینی شده بود و در تغییرات تمام این موارد تغییر کرده و به‌جای محدود شدن آن به زنان، همه افراد را در بر گرفته است.»

ملکیان اهداف و ابزار را مواردی می‌داند که در راستای هم قانون را پیش می‌برند: «زمانی که هدف و رویکرد قانون تغییر پیدا کند، ابزار دولت را از او گرفته‌ایم و در نتیجه در اجرا دچار مشکل می‌شود. با وجود اینکه بسیار منتظر بودیم این لایحه به سرانجامی برسد در نتیجه رویکرد متفاوت مجلس و ندیدن لایحه در جایگاه خودش، این اتفاق رخ داد.»

نتیجه بی‌عملی دولت و مجلس

حامد بیدی، مدیرعامل پلتفرم اجتماعی کارزار بر این باور است که لایحه تغییر یافته در مجلس، دیگر کارکرد پیشین را ندارد و دربار علت آن می‌گوید: «تصویب نشدن لایحه، نتیجه بی‌عملی دولت، مجلس و حاکمیت است و از سوی دیگر، ما همچنان شاهد این فاجعه هستیم که زیر پوست



شهرها، در حاشیه شهرها، در روستاها و مناطق حاشیه‌ای کشور خشونت علیه زنان به‌شکل قتل‌های ناموسی، زن‌کشی و دخترکشی رخ می‌دهد.» صحبت از مصادیق خشونت علیه زنان می‌تواند از جنبه فرهنگی اهمیت داشته باشد و چنین اعمالی را از سوی جامعه محکوم کند. مسئله آبرو و فشار اجتماعی این موضوع روی مردان در جامعه سنتی، یکی از عوامل اصلی بروز چنین پدیده‌هایی است: «مردان در جامعه سنتی به‌دلیل حرف مردم دست به چنین اقدامات جنایتکارانه‌ای می‌زنند و ما می‌دانیم که این فرهنگ اشتباه در بسیاری از جوامع سنتی و محلی وجود دارد. اگر درباره این فرهنگ حرف بزنیم، اگر کارزارهای پُرامضاء با اعداد معنادار شکل بگیرد، د سبب می‌شود این بخشی از مردم که ترس آبرو دارند متوجه شوند با کشتن، قتل و خشونت علیه زنان بی‌آبرو می‌شوند و به این شکل نمی‌توانند آبرو ببرند. از سوی دیگر، همین گفت‌وگوها می‌تواند ابزار چانه‌زنی برای فشار آوردن به دولت و حاکمیت باشد که به‌شکلی سکوت، خلأ قانونی و قانون‌های اشتباه را اصلاح کند، قوانینی که منجر به سوءاستفاده برای اعمال خشونت بیشتر بر زنان شده است.»

تقاطع تبعیض‌ها، محرومیت‌ها و نابرابری‌ها

مریم مولایی، جامعه‌شناس هم از دیگر افرادی بود که در اتاق گفت‌وگوی پلتفرم کارزار حضور داشت و باز پس‌گیری لایحه را درست‌ترین کار دولت می‌داند: «من می‌خواهم یک گام فراتر بروم و بگویم چرا لازم است درباره منع خشونت علیه زنان حرف بزنیم و مطالبه‌گر باشیم؛ چون بزرگی این مسئله دیده نشده و هنوز هم مردان بسیاری درباره خشونت علیه مردان، مهریه و مواردی از این دست صحبت می‌کنند. معنی نه به خشونت علیه زنان، آری به خشونت علیه مردان نیست. اما تقاطع تبعیض‌ها، محرومیت‌ها و نابرابری‌ها برای زنان به‌قدری زیاد است که اگر بخواهیم مقایسه کنیم مانند این است که بگوییم چرا اسبیه‌وستان برای حق رأی و صندلی در اتوبوس می‌جنگیدند و سفیدپوستان نه.»

او خشونت علیه زنان را بسیار فراگیرتر از مسئله خشونت علیه زنان بی‌صدا شده می‌داند: «امروز مسئله خشونت در زنان دانشگاهی، تحصیل‌کرده و شاغل بسیار پررنگ دیده می‌شود و به‌دلیل ترس از آبرو و موقعیت شغلی، بی‌صداترند و حرف نمی‌زنند. من در اطرافم کسانی را می‌شناسم که هیئت‌علمی دانشگاه‌های برتر کشور مانند تهران و علامه طباطبایی هستند و مورد خشونت فیزیکی با چاقو از سوی همسران‌شان قرار گرفته‌اند. خشونت صرفاً به کودک‌مهری یا زن طبقه کارگر و روستایی پیوند نمی‌خورد و موضوع بسیار گسترده‌تر است.» مولایی یکی از راهکارها را ایجاد یک فضای امن می‌داند که در آن این مسائل امکان رسانه‌ای شدن پیدا کنند.

آنچه مولایی به آن پرداخت، تنها خشونت فیزیکی است که یکی از اقسام خشونت است. اما خشونت کلامی، روانی، جنسی و اقتصادی هم مواردی است که نیازمند بحث و گفت‌وگو است. مولایی ساختار فعلی را یکی از عوامل موثر در بازتولید خشونت علیه زنان می‌داند: «ما بارها با این جمله‌ها مواجه شدیم که اگر زنی کتک می‌خورد، حق‌اش است، زن است که باید خانه را گرم نگه دارد و مسئله مهم‌تر اینکه، خشونت تنها بین زوجین اتفاق نمی‌افتد. خشونت‌هایی هم از سوی پدر و برادر علیه زنان رخ می‌دهد که دیده نمی‌شوند. مسئله، ساختاری است که تسهیلگر خشونت علیه زنان است. ساختاری که سبب می‌شود زنان با شرایط نابرابر وارد ازدواج شوند و باید بمیرند تا طلاق بگیرند. همین ساختار است که در بحث دخترکشی‌ها هم مسئله ولی‌دم را مطرح می‌کند و به پدر حق کشتن فرزندش را می‌دهد. مسئله بعدی در همین ساختار، دیه نابرابر بین زن و مرد است. اولیای دم



نسیم سلطان‌بیگی

خبرنگار گروه جامعه

روزی نیست که تیتیر رسانه‌ها از اخبار خشونت علیه زنان خالی باشد. آخرین تیتیر دخترکشی، نام زینب حسینی، کودک پنج‌ساله‌ای را یک می‌کشد که ساکن کرج بود و به دست پدرش کارآآجین شد. پدر به مادر شک داشت و فرزندشان قربانی همین سوءظن شد. هر بار در مواجهه با پرونده‌های زن‌کشی و قتل‌های ناموسی، خلأ قانونی روشن‌تر و پررنگ‌تر از گذشته سر بر می‌آورد. دولت لایحه به مسلخ برده‌شده منع خشونت زنان را از مجلس پس می‌گیرد و این بازپس‌گیری بلل به دستاوردی می‌شود که بی‌قانونی بهتر از بدقانونی است. خشونت خانگی در ایران جرم‌انگاری نشده و همین موضوع سبب می‌شود بسیاری از موارد خشونت و آزار، پیگیری قانونی نشوند. قضات به‌ویژه در مناطق محروم، تحت‌تاثیر نگاه‌های سنتی و فرهنگ مردسالارانه مجازات‌های سبک‌تری برای قتل‌های ناموسی در نظر می‌گیرند و همین موضوع سبب می‌شود به‌نوعی قتل‌های ناموسی توجیه‌پذیر شوند. براساس ماده ۶۳۰ قانون مجازات، مرد در صورت مشاهده همسرش در حال خیانت، در صورت وجود شرایطی، می‌تواند همسرش را به قتل برساند و به مجازات قصاص محکوم نشود. قوانین دیه هم یکی دیگر از عواملی است که بازدارندگی قانونی را کاهش می‌دهد. پلتفرم اجتماعی کارزار، جمعه‌شب برنامه‌ای با عنوان «اتاق گفت‌وگوی کارزار در کلاب‌هاوس: ویژه کارزارهای منع خشونت علیه زنان»، برگزار کرد و به بررسی لایحه منع خشونت علیه زنان و سرنوشت ناکام‌مانده آن پرداخت. لایحه‌ای که پس از ۱۳ سال رفت‌وآمد میان دولت و مجلس همچنان بی‌سرانجام مانده و دهم اردیبهشت‌ماه معاون امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری از استرداد آن به‌دلیل تغییرات هویتی و ماهوی در مجلس خبر داد. در نتیجه خلأهای قانونی، سکوت قانون‌گذار و قانون‌های اشتباه، خشونت علیه زنان همچنان به‌شکل روزانه قربانی می‌گیرد.

استحاله لایحه

لایحه منع خشونت علیه زنان در پی تغییراتی که در جلسات مجلس بر این لایحه اعمال شد، به لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان تغییر نام داد. واژه «زن» در بسیاری از مواد این لایحه حذف شد و به‌جای آن از واژه «هر کسی» استفاده شد. **مرضیه ادهم، پژوهشگر** و از برگزارکنندگان اتاق گفت‌وگوی کارزار در کلاب‌هاوس می‌گوید: «کلمه خشونت دارای یک بار قانونی است که از لایحه حذف شده و از سوی دیگر، تعاریفی مانند حمایت کردن یا توانمندسازی زنان در برابر خشونت هم از لایحه حذف شده است. تمام این موارد است که لایحه را بی‌کارکرد می‌کند.» مباحث مرتبط به ضرب و جرح، ناامنی و بیرون کردن از خانه که در لایحه دولت آورده شده بود و مسئله جنسیت در آنها پررنگ و جدی بود، از لایحه تغییر یافته در مجلس حذف شده است. مجلسیان تلاش کردند مواردی را مطرح کنند که هم زن و هم مرد را در بر می‌گیرد. ادهم با انتقاد از این موضوع می‌گوید: «مطالعات پیشینی نشان‌دهنده لزوم یکسری قوانین پشتیبان برای زنان بود و براساس آن، لایحه دولت نوشته شده بود. از سوی دیگر، با وجود اینکه مجلس پیشین و مجلس فعلی همسوا یکدیگر بودند اما طرحی که در مجلس قبلی برای لایحه منع خشونت علیه زنان تصویب شده و قابل دفاع بود، در مجلس فعلی رد شد و در لایحه چنان تغییراتی رخ داد که دولت مجبور به بازپس‌گیری آن شده است.» به گفته او، در لایحه استحاله معنایی رخ داده، جنسیت زن دیده نشده، مفهوم خشونت در آن تعریف نشده و هر جا دستگاه‌های ذی‌ربط درگیر شدند، از